

واژه‌های مازندرانی

و
ریشه‌های باستانی آنها

دکتر حسین حجازی کناری

واژه‌های مازندرانی

و

ریشه‌های باستانی آنها

دکتر سید حسن حجازی کناری

واژه‌های مازندرانی و ریشه‌های آنها
دکتر سید حسن حجازی کناری

- چاپ نخست : ۱۳۷۴
تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه
حروفچینی : بنیاد نیشابور
لیتوگرافی و چاپ : جهان
صحافی : شهرابی
ناشر : مؤلف
جایگاه پخش : تهران - بلوار کشاورز - روبروی پارک لاله
خیابان جلالیه - شماره ۸ تلفن: ۶۵۲۷۸۴
بها : ۳۰۰ تومان

بیم حسرت
زلف

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای نام تو برترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز
نظامی گنجوی

پیشگفتار

لهجه‌های گوناگونی که در سراسر ایران بزرگ رواج دارد، گویشهایی است ایرانی که ریشه در زبان کهن ایرانی دارد. زبان ایرانی کهن شعبه‌ای است از زبان هند و آریائی که خود ریشه در زبان هند و اروپائی دارد. زبان اوستائی از آن زبان برخاست. پارسی میانه (اشکانی و ساسانی) نیز از زبانهای قدیم ایرانی است و ریشه در آنها دارد و فارسی دری امروزی هم دنباله زبان پهلوی است که زبان رسمی کشوری است.

اما در گویشهای محلی که ریشه در زبانهای قدیم دارند، با گذشت روزگارهای دراز، دگرگونیهای پیداشد. شاید بتوان تحولاتی که بر اثر رویدادهای تاریخی و کشمکشهای اجتماعی در زبان پیدامی‌شود، با شیوه زندگی انسانی تطبیق داد. چه، زبان هم مانند صاحب زبان دارای زندگانی است. رشد می‌کند، تولید نسل می‌کند، سرانجام فرسوده می‌شود و می‌میرد و جای خود را به اجزای تازه‌تری می‌دهد. واژه‌ها هم دورانی دارند، چون دورانشان بسررسد جاخالی می‌کنند و

واژه‌هایی مرکب یا مفرد جانشینشان می‌شود.

در واژه‌هایی که مربوط به نامها می‌باشد، اگر تغییراتی باشد، جزئی است. آنچه در این دفتر گردآمده در همین زمینه‌ها می‌باشد ولی آنچنان نیست که پاسخگوی همه واژه‌ها باشد و به پژوهش زیادی نیاز دارد که بزرگان زبانشناس، بهائی فراخور به آن داده و می‌دهند.

بهرحال گویش مازندرانی هم به چنین سرنوشتی دچار شده و بر اثر تحولات تاریخی و سیاسی و اجتماعی، با واژه‌های پارسی کهن و سومری و ایلامی و عربی و ترکی در آمیخت و برای رفع نیازهای زندگی خود ناگزیر به تسمیه نامها و افعال شد. در این گویش حتی می‌توان رگه‌هایی از واژه‌های سغدی و سومری هم یافت.

از ویژگیهای گویش مازندرانی اینست که چون مازندران قریب به دو قرن از نفوذ و تسلط کامل اعراب دور بود، اکثر واژه‌های لهجه آن دوران (پهلوی) دچار کوفتگی بنیادی نشده آنچنانکه یافتن ساختمان نخستین دشوار نمی‌باشد.

و چون مازندران واژه‌های پارسی کهن بویژه بسیاری از واژه‌های پهلوی بیادگار دارد، می‌توان لهجه فعلی آن دیار را دنباله زبان پهلوی ساسانی دانست. بهر روی از آنجا که یادگاری از دیرباز بما رسیده، بررسی و ویرایشی از دیدگاه ایراندوسی (نه کهنه‌پرستی) بایا بود. و از همین دیدگاه گزارشی در این دفتر فراهم آمد چه از این راه می‌توان به تاریخ اجتماعی راهی یافت و از نظر زبانشناسی درخور ارج و ارزش است.

کوشش شد که واژه‌های همگن و هم‌ریشه، بویژه با زبان پهلوی گردآوری شود که گامهای کوچکی (نه درخور گستره دانش بزرگان فرهنگ) برداشته شد. بهم‌ریختگی یا کوفتگی برخی واژه‌ها چنان است که به بنیان آنها دست نیافتم. ریشه‌های همگن برخی واژه‌ها را در فرهنگها ندیدم و از روی نشانیها، به دریافتهای خود تکیه کردم چه گریزی از آن نبود. بعبارت دیگر دریافت و استنباط گردآورنده می‌باشد و گمان می‌رود که چندان از حقیقت اصلی ریشه بدور نیست. واژه‌ها از سه دسته هستند: (۱) مستقیم دارای ریشه همگن پهلوی (۲) وابسته

به زبان اوستائی و سانسکریت (۳) چون در فرهنگها دیده نشده از فرهنگهای فارسی بهره‌بردم. همه واژه‌ها و همگن‌های آنها به فارسی و لاتین آورده شد:

d =	د	a =	آ
z =	ذ، ز، ض، ظ	ä =	آ
r =	ر	ë =	ا
z =	ژ	ï =	ای
š =	ش	ö و ü =	او
ð =	ق، غین	a =	الف، عین
k =	ک	b =	ب
g =	گ	p =	پ
L =	ل	t =	ت، ط
m =	م	s =	ث، س، ص
n =	ن	j =	ج
w, v =	و	c =	چ
y =	ی	h =	ح، ه
		x =	خ

ارزش این گویش و هریک از گویشهای دیگر، چنانست که فرهنگ نیاکان ما دارا بود. زیرا یادگارهای دوران دوری است بمارسیده، که با آرایش آنها می‌توان به چگونگی اندیشه و گفتار و کردارشان دسترسی پیدا کرد.

نویسندگان گذشته نیز چنین کرده‌اند. مقدسی درباره زبان مردم مازندران می‌نویسد: در آنجا (هاده) و (هاکن) را بجای (بده) و (بکن) بکار می‌برند. گویششان شیرین اما شتابرده هست...

در گردآوری این واژه تا آنجا که در توان بود کوشش شد. چون سالیان درازی است که از آندیار دور می‌باشم، چه بسیار واژه‌هایی را بیاد ندارم و در این باره به

نقص کار معترفم و متواضعانه از بزرگان فرهنگ آن سرزمین پوزش و راهنمایی درخواست دارم.

آخرین سخن اینکه: بگفته بیهقی مورخ نامدار:

«هیچ نبشته‌ای نیست که به یکبار خواندن نیرزد»

اینهم نبشته‌ای ساده و بی‌پیرایه.

آرزو دارم که این دفتر بتواند به فرهنگ زبان مازندرانی خدمتی کرده باشد. خشنودی خود از کاری که کرده‌ام، اگر بایا باشد، بسنده نیست. نیک وید این کار و داوری بر آن با بزرگان فرهنگ می‌باشد. امیدوارم خوانندگان محترم این یادداشت را صرفاً "یک تلاش متواضعانه - هرچند ناقص - در راه فرهنگ مازندرانی تلقی فرمایند. تلاشی که شاید در نوع خود نخستین باشد.

در این دفتر به ساختمان گویش مازندرانی و همسانی آن با واژه‌های پارسی باستانی، که در آن سرزمین رواج داشت، پرداخته شد. در بالا نوشته‌ام که شاید در این راه پیشگام نباشم، ولی گام در راهی ناهموار نهاده شد که بی‌گمان از افت و خیزها بدور نبود. چون به گفته بزرگمهر (همه چیز را همگان دانند). بنابراین روبروشدن با افت و خیزها و ناهنجاریها، ازسوی گردآورنده، دوری‌ناپذیر می‌نمود.

سپاسگزار آقای دکتر جنیدی استاد گرانمایه خود هستم که با گشاده‌روئی، پیش‌نوشت‌ها را از نظر گذرانده و از راهنماییها دریغ نفرمودند. تقدیم به همسر فاضل و بزرگوارم بتول صبوری که از بذل مساعدت مادی مضایقه نکردند.

حسن حجازی کناری

۱۰ / فروردین / ۱۳۷۳